

شیرینی تأسیس هنرستان هنر

در گفت و گو با استاد احمد فتوت، معلم پیشکسوت

محمد رنگچیان

اشاره

تلاش‌های اولیه و جاگذاری خشت‌های نخستین برای ایجاد و جاری ساختن یک جریان آموزشی همواره با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. پی‌گیری این نکته در شهرهای دور از مرکز و کوچک‌تر دشواری‌های آن را مضاعف می‌کند اما اگر راه‌اندازی نهادهای آموزشی با موضوع هنر گره بخورد، در پشت صحنه آن انسان‌های عاشق و تلاش‌گری وجود دارند که گذار بدان را نه به پای جسم که به پای اراده می‌سپارند و از ناهمواری‌ها نیز نمی‌هراسند. استاد احمد فتوت، پیشگام تأسیس هنرستان رشته‌های هنری در همدان بوده است که یادآوری خاطرات وی برای بسیاری از دبیران هنر که در گوشه و کنار کشور در اندیشه تأسیس نهادهای آموزشی و نوپای هنری هستند شنیدنی و در آن نکته‌های قابل تأملی وجود دارد و نشان می‌دهد که با اندیشه نسبت به زیبایی‌های اهداف متعالی می‌توان به ساحل مقصود رسید و جامعه تعلیم و تربیت را از خیر عمومی آن بهره‌مند ساخت. با هم روایت احمد فتوت را از این سلوک سخت‌کوشانه می‌خوانیم:



پیشرو علم و ادب و مطالعات اسلامی
بر تامل صلح و سواد اسلامی

● با توجه به این که شما مؤسس رشته گرافیک در هنرستان های استان همدان هستید، برای ما از چگونگی انجام این امر مهم بگویید.

○ تا درخت دوستی کی بر دهد؟

حالیما رفتیم و تخمی کاشتیم

اندیشه داشتن رشته آموزشی هنر در همدان از سال های دور مشغله ذهنی من بود. چون می دانستم در شهرهایی چون تهران، تبریز، اصفهان و شیراز چنین رشته ای وجود دارد که جواب گوی علاقه مندان و مشتاقان هنر است. حقیقت این بود که در بین دست اندرکاران آموزش و پرورش همدان تمایل به ایجاد رشته هنر کم بود؛ فقط کارشناس فنی و حرفه ای استان مایل به تأسیس این رشته بود. در جلساتی که در اداره استان تشکیل می شد،

من هم حضور داشتم و پی گیرانه در جهت اخذ مجوز از فنی و حرفه ای مرکز تلاش می کردیم که خوشبختانه موفق شدیم موافقت آن را جلب نماییم.

شروع کار بسیار خوب و موفقیت آمیز بود؛ اما هر چه به آینده و ثبت نام اول مهر ۱۳۶۳ نزدیک می شدیم، با وجود تبلیغات از طریق رادیو و تلویزیون، کسی برای ثبت نام (در هنرستان های دخترانه تهذیب و پسرانه دکتر چمران) نیامد. تا این که طی جلسه ای از مسئولین آموزش و پرورش استان، به پیشنهاد خودم ابلاغیه ای صادر شد که آشنایی با رشته گرافیک و معماری در هنرستان ها به عهده من باشد. و این باب فتحی بود که از نزدیک با علاقه مندان و مشتاقان هنر آشنا شده و آنان را به این رشته معرفی و آشنا کنیم. باری، با هر زحمت و سختی که در کار وجود داشت،



**اولین دوره
فارغ التحصیلان
ما در سال
اول در کنکور
سراسری
قبول شدند و
این موفقیت
بچه‌ها شادی
و موفقیت مرا
صدچندان
نمود**

جای‌گزین متدهای سنتی بود. از طرفی چون رشته گرافیک در ایران به شکل امروزی هنری نوپا بود، نیاز به برنامه‌ریزی و استادان تحصیلکرده داشت که این امر در سال‌های بعد جبران شد. بدین ترتیب، مدرسین جوان و تحصیلکرده با ورود خود دوام و قوام این رشته را تضمین کردند.

● آینده این رشته را چگونه می‌دیدید؟ و آیا به اهداف خود نائل آمدید؟

○ آینده این رشته مثل روز برایم روشن بود. درست است که در آن زمان خانواده‌ها و فرزندان‌شان آشنایی کامل به این رشته نداشتند و با شک و تردید ثبت‌نام می‌کردند، ولی الحق با اندوخته انسانی کمی که داشتیم، در سال‌های بعد نمایشگاه‌هایی از کارهای هنرجویان در سطح شهر برگزار می‌کردیم و کم‌کم مردم و جامعه را به سوی این رشته نوبنیاد سوق داده و در زمانی کوتاه یعنی تقریباً سه سال موفق به معرفی و شناسایی گرافیک در همدان شدیم. اما این که آیا به اهداف خود نائل آمدیم یا خیر، باید بگویم که حتی بیش از انتظار ما از آن استقبال شد، و این که امروز می‌بینیم در همدان و شهرهای این استان مدارس هنری زیادی مشغول آموزش رشته هنر هستند، نتیجه آن دوراندیشی‌های گذشته بود که اکنون به بار نشسته است. شایان ذکر است که اولین دوره فارغ‌التحصیلان ما در سال اول در کنکور سراسری قبول شدند و این موفقیت بچه‌ها شادی و موفقیت مرا صدچندان نمود. امروز شاهد فعالیت‌های گرافیکی آن‌ها هستیم که انصافاً از گرافیست‌های فعال و هنرمند کشورمان به‌شمار می‌روند. بدین ترتیب، این موفقیت هنری می‌تواند مانند بچه اول خانواده سرمشق و الگوی آیندگان باشد.

● میزان موفقیت دانش‌آموزان این رشته در سال‌های اولیه تأسیس نسبت به حال حاضر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ ارزیابی دوره‌های گذشته هنرجویان رشته گرافیک نسبت به هنرجویان فعلی بستگی به عوامل مختلفی دارد که مقایسه را کمی سخت و شاید حتی ناممکن می‌کند. نظر شخصی این حقیر شاید کمی خودخواهانه و شتابزده باشد. من معتقدم که هنرجویان این زمان با امکانات و وسایل بیشتر از نظر خلاقیت و پشتکار با اسلاف خود تفاوت‌هایی دارند. نباید این نکته را فراموش کنیم که هر چه رو به جلو

سرانجام موفق به ثبت‌نام چندین هنرجو در هنرستان‌های تهذیب و چمران شدم. از طرفی به خاطر کمبود فارغ‌التحصیل رشته هنر در همدان، مجبور به تدریس در درس پایه در دو هنرستان بودم که خوشبختانه هنرجویانی کاملاً مستعد جذب این رشته شدند؛ چنان که واقعاً با جرأت می‌توان گفت قریب به ۷۰ درصد آنان علاقه‌مند به هنر بودند. بدین ترتیب، از نظر توانایی انجام برنامه‌ها در سال اول کاملاً موفق و خرسند بودیم و این خود محکی بود که در سال‌های بعد نیز همین روال تبلیغ برای رشته گرافیک و معماری انجام گیرد.

اما هر چه مطابق ریزبرنامه‌های وزارتی پیش می‌رفتیم، مشکلات بیشتر خودنمایی می‌کرد؛ اول امکانات فضا و کارگاه، دوم وسایل مورد نیاز (میز نقشه‌کشی، سه پایه، چهارپایه و...) که در جهت رفع این مشکل هم با پی‌گیری‌های زیاد (از طریق آموزش و پرورش) موفق به تهیه این امکانات و وسایل شدم.

● انگیزه شما برای تأسیس رشته هنر در هنرستان‌های استان چه بود؟

○ همان‌طور که اشاره کردم فقط در چند شهر ایران رشته هنری تدریس می‌شد که متأسفانه در همدان این رشته آموزشی وجود نداشت. از طرفی در کودکی خود من از مدرسه و دبیرستان و استادی در زمینه هنر خبری نبود؛ هنوز هم تأسف روزهایی را می‌خورم که در سنین یادگیری ما هیچ امکانی وجود نداشت که من و امثال من بتوانند مطابق ذوق و علاقه شخصی به تحصیل در این رشته ادامه دهند.

و این کمبود بزرگ مدام در ذهن و روحم جریان داشت تا بعد از فارغ‌التحصیل شدن از هنرهای زیبای دانشگاه تهران در همدان مدرسه یا هنرستانی تأسیس کنم که آیندگان مشکل مرا نداشته باشند و بتوانند مطابق با شرایط روز، رشته تحصیلی خود را انتخاب کنند. پس با این انگیزه و هدف شروع به کار کردم و بخت هم با من یار بود که قادر به انجام چنین امر مهمی و تأسیس رشته هنر در استان خودم باشم. زیرا نیاز جامعه به چنین رشته‌هایی کاملاً ضروری می‌نمود. دیگر زمان استادی و شاگردی از طریق کارگاه، تماماً منسوخ شده و نیاز جوانان مستعد ما با روش‌های علمی و درست کارگاهی برآورده می‌شد که



روش مطالعه و نگارگری
معماری

می‌رویم، ابزار و وسایل و کامپیوتر باعث خدمات بزرگی به هنرجویان و هنرمندان می‌شوند. انسان تیزهوش و ساعی کسی است که از این امکانات بالقوه استفاده نماید و در جهت شکوفایی ذهن و کار خود تا آن‌جا که در توان دارد، بکوشد. سختی مقایسه و برابری در هر زمان فرق داشته و این‌که به زمان گذشته وابسته باشیم یا حال، این خود مقایسه‌ی درستی نیست؛ چرا که در هر زمان شرایط، امکانات و وسایل با قبل و بعد خود تفاوت‌هایی در عمل دارد که این برابری را سخت و سخت‌تر می‌نماید.

● آیا ادامه تحصیل در مقاطع عالی را شرط ضروری ورود هنرجویان در مقطع متوسطه می‌دانید؟

○ این قضیه کاملاً روشن و واضح است که برای آموزش چه آموزش هنری باشد و چه علمی، نحوه یادگیری و امکانات آموزشی در هر زمان، تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی است. دیگر زمان آموزش از پدر به پسر و سینه به سینه گذشته و همان‌طور که شرایط اجتماعی دچار تغییر و دگرگونی شده، آموزش هنر هم تابع چنین روندی است که هر روز و هر ساعت سیر تکاملی خود را طی می‌نماید. پس هنرمند و هنرجوی امروزی هم می‌تواند با نسل‌های گذشته خود فرق داشته باشد؛ چنان‌که چنین تفاوت فاحشی را به وضوح می‌بینیم. جامعه امروز هنرمند و هنرجویی می‌خواهد که به مسائل روز آشنایی داشته باشد و در کنار این آشنایی آثار تمرینی و نهایی خود را ارائه دهد تا مورد قبول جامعه هنری واقع گردد.

● مشکلات شما در معرفی این رشته برای جذب هنرجو چه بود؟

○ همان‌طور که پیش‌تر ذکر کردم، جهت راه‌اندازی و گرفتن مجوز برای تأسیس رشته هنر به خاطر عدم آشنایی خانواده‌ها با این رشته، خواه ناخواه برای تبلیغ و معرفی رشته گرافیک مجبور بودم که در اکثر دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه حضور پیدا کنم. با همکاری رؤسای این آموزشگاه‌ها از اول مهر و حتی تا آبان‌ماه هم کار معرفی و آشنایی به طول می‌کشید. شایان توجه این‌که در بعضی از دبیرستان‌ها حتی یک‌نفر هم شرکت‌کننده نداشتیم تا ثبت‌نام را شروع کنیم. بالاخره از آن‌جا که خودم و آموزش‌وپرورش (فنی‌وحرفه‌ای) مجدانه تصمیم داشتیم این رشته نوپا شکل بگیرد و در جرگه آموزشی هنرستان‌ها جایی برای خود باز کند، ناامید نشده،

سرکشی و سخنرانی در دبیرستان‌ها را کاملاً حساب شده و پی‌گیر ادامه دادیم تا برای سال اول در دو هنرستان تهذیب و دکتر چمران دو کلاس به‌حدنصاب ثبت‌نام انجام گرفت و این پایه اولیه خوبی برای سال‌های بعد شد.

● استاد فتوت از خاطرات تلخ و شیرین خود در سال‌های تدریس هنر برایمان بگویید.

○ همیشه نام هنر و رشته هنر رفتاری‌هایی برای اهل هنر داشته و دارد. گاهی چهره خوش هنر نمایان می‌شود و گاهی هم چهره زیاد خوش‌آیندی ندارد و این فی‌نفسه در ذات خود هنر پیوسته خوب، ارزنده و بالنده بوده و این بالندگی گاهی تفسیر و ترجمه زمانی یا بومی دارد که ممکن است مطابق طبع دیگران نباشد.

اما خاطرات تلخ و شیرین من سرشار از ناگفته‌هاست؛ زیرا همین بس که موفق به تأسیس رشته هنر در همدان شده بودم و واقعاً به چیز دیگری فکر نمی‌کردم. روزی که شاهد موفقیت هنرجویان بودم و این‌که هر کدام از آنان به مرتبتی از هنر نایل گشته‌اند، این خود بزرگترین مزد و اجری برای من محسوب می‌شد که پس از سال‌ها فکر و کار و اندیشه به آن دست یافته بودم. از آن‌جایی که همه ایده‌ها و اندیشه‌ها در جهان در آغاز با شکست و عدم موفقیت و یا تلخی همراه است، من هم از این رهگذر بی‌نصیب نبوده و دوست ندارم که از آن تلخی که هنوز هم آن‌را حس می‌کنم یادی به‌میان آورم؛ فقط به این نکته بسنده می‌کنم که در سال اول با مکاتبات زیادی که با مرکز فنی‌وحرفه‌ای تهران از طریق آموزش‌وپرورش داشتیم، درخواست کتاب‌های مرجع نموده و برای دریافت کتاب‌ها دست به اقدامات زیادی زدم؛ تا این‌که موفق به دریافت آگهی جلد از کتاب‌های انتشارات بهار و آثار دیگر شدم که همه را به کتاب‌خانه هنرستان تحویل دادم و رسید گرفتیم و این خاطره به رغم سختی‌های آن، نتیجه‌ای خوشایند داشت.

در خاتمه دروغ می‌آید از دو همکار بسیار والامقام یادی نکرده باشم که اگر کمک و همکاری‌های این بزرگواران نبود، هرگز چنین رشته‌ای به این زودی‌ها در همدان پا نمی‌گرفت: جناب رنگچیان مسئول فنی‌وحرفه‌ای و جناب قزلباش کارشناس فنی‌وحرفه‌ای استان که آرزومندم همیشه سلامت و موفق باشند.

دیگر زمان آموزش از پدر به پسر و سینه به سینه گذشته و همان‌طور که شرایط اجتماعی دچار تغییر و دگرگونی شده، آموزش هنر هم تابع چنین روندی است که هر روز و هر ساعت سیر تکاملی خود را طی می‌نماید